

دانشگاه علم و صنعت ایران



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

## مسئولیت اشخاص حقوقی و مدیران در پرداخت دیه

استاد راهنما

دکتر منصور امینی

استاد مشاور

دکتر رحیم نوبهار

نگارنده

سید مرتضی حسینی

شهریور ۱۳۹۸

## تقدیم به

### پدر و مادر

عزیز و بزرگوارم که علی‌رغم تحمل سختی‌ها و دشواری‌های فراوان مسیر پر پیچ و خم کسب دانش و معرفت را برایم هموار نموده و از دعای خیرشان بی‌نصیب نبوده‌ام.

و

### همسر

بزرگوارم که با صبر و شکیبایی خود زمینه مساعد را برای نگارش این پایان‌نامه فراهم نموده است.

## سپاسگزاری...

سپاس خدایی را که سخنوران در ستودن او به مانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند و سلام و درود بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار ایشان است.

پس از سپاس فراوان از خدایی که هر چه کردم نگاهش را از من نستاند، شایسته است از خانواده دلسوز و مهربانم که مشوق من در کسب مراتب تحصیلی بوده‌اند، تشکر و سپاسگزاری نمایم.

به مصداق حدیث «من یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بر خود واجب دانستم که از تمامی استادان فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نموده‌اند کمال تشکر و سپاسگزاری را به عمل آورم.

به خصوص تقدیر و تشکر صمیمانه از استادان بزرگوار، جناب آقای دکتر منصور امینی و جناب آقای دکتر رحیم نوبهار که با کمک‌ها و راهنمایی بی شائبه خود مرا در امر به پایان رساندن این پایان‌نامه یاری نموده‌اند. بدون شک این پایان‌نامه مرهون زحمات دلسوزانه آنان است.

همچنین از استاد ارجمند جناب آقایان دکتر غلامعلی سیفی زیناب و دکتر علیرضا عالی پناه که زحمت داوری پایان‌نامه اینجانب را تقبل نموده‌اند، قدردانی می‌نمایم.

در پایان از آنان که نفس خیرشان و دعای روح پرورشان بدرقه راهم بود تشکر می‌نمایم و از خداوند متعال برایشان عمری با برکت و موفقیت‌های روزافزون خواستارم.

سیدمرتضی حسینی

تهران - تابستان ۱۳۹۸

## چکیده

امروزه شمار زیادی از فعالیت‌های صنعتی، تجاری، خدماتی، به واسطه اشخاص حقوقی صورت می‌پذیرد. مسئولیت این اشخاص در برابر حوادث، با مسئولیت اشخاص حقیقی متفاوت است. وقتی این مسئولیت پرداخت دیه باشد، چالش‌های حقوقی جدیدی مانند کیفری بودن مسئولیت ایجاد می‌شود. شخص حقوقی یک موجود اعتباری است و بدون دخالت انسان قادر به هیچ عملی نیست. مدیران شخص حقوقی با اعمال اراده، شخص حقوقی را از عالم اعتبار به عالم واقع وارد می‌کنند. بنابراین هر حادثه‌ای که واقع می‌شود در حاکمیت اراده مدیران می‌باشد و از این جهت می‌توان گفت مسئولیت، متوجه مدیران است و اگر شخص حقوقی مسئولیتی هم دارد، ناشی از فعل غیر است. در گذشته رویه قضای ایران با در نظر گرفتن این دیدگاه و ماهیت کیفری دیه، مسئولیت را اغلب بر عهده مدیران می‌دانست. ولی با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این رویه تعدیل شد. در تبصره ۱۴ این قانون مسئولیت مستقیم شخص حقوقی در پرداخت دیه پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار در این تبصره شخص حقوقی را دارای رفتار مستقل دانسته که این رفتار می‌تواند با تصمیم مدیران، رفتار کارگران و حتی حوادث ناشی از اشیاء و تولیدات و رویه‌های موجود و سازماندهی اداری شخص حقوقی ظهور پیدا کند. بر اساس این تبصره شرط مسئولیت، احراز تقصیر شخص حقوقی نیست. بلکه صرف اینکه خسارت به رفتار شخص حقوقی قابل استناد باشد، مسئولیت ایجاد می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت شخص حقوقی هم دارای مسئولیت مستقیم و هم دارای مسئولیت غیرمستقیم است. در جمع این دو مسئولیت، اصل بر مسئولیت مستقیم شخص حقوقی است و مادامی که مدیران یا حتی کارگران در انجام وظایف محوله تقصیر نکرده باشند، مسئولیت متوجه شخص حقوقی است، زیرا مدیر و کارگر در واقع اراده یا تکالیف شخص حقوقی را انجام می‌دهند.

**کلید واژه :** مسئولیت، شخص حقوقی، مدیران، دیه.

## فهرست مطالب

مقدمه:	۱
فصل اول:	۶
کلیات مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه	۶
مبحث اول: شخص حقوقی	۷
گفتار اول: انواع اشخاص حقوقی	۸
گفتار دوم: مدیران و رابطه آنها با شخص حقوقی	۱۵
مبحث دوم: مسئولیت دیه	۲۳
گفتار اول: دیه و رابطه آن با خسارت	۲۳
گفتار دوم: رابطه جرم و مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه	۳۱
فصل دوم:	۳۷
مسئولیت اشخاص حقوقی ناشی از فعل غیر (غیر مستقیم)	۳۷
مبحث اول: مسئولیت ناشی از رفتار کارگران و گماشتگان	۳۸
گفتار اول: امکان مسئولیت غیر مستقیم شخص حقوقی در پرداخت دیه	۳۸
گفتار دوم: شرایط مسئولیت غیر مستقیم شخص حقوقی در پرداخت دیه	۴۹
مبحث دوم: توزیع مسئولیت	۶۲
گفتار اول: بررسی امکان مسئولیت تضامنی شخص حقوقی با عامل زبان	۶۲
گفتار دوم: قواعد خاص دیه و تاثیر آن بر توزیع مسئولیت	۶۵
گفتار سوم: نقش تقصیر گماشتگان در مسئولیت اشخاص حقوقی	۶۸
فصل سوم:	۷۵
مسئولیت مستقیم شخص حقوقی	۷۵
مبحث اول: امکان مسئولیت مستقیم شخص حقوقی در پرداخت دیه	۷۶
گفتار اول: اراده مستقل	۷۶

۷۸	گفتار دوم: تصریح قانون‌گذار به مسئولیت مستقیم شخص حقوقی در پرداخت دیه
۸۰	گفتار سوم: مسئولیت بدون تقصیر
۸۶	گفتار چهارم: رابطه سببیت
۹۰	مبحث دوم: مصادیق رفتار شخص حقوقی
۹۰	گفتار اول: مسئولیت ناشی از رفتار گماشتگان
۹۵	گفتار دوم: مسئولیت ناشی از فعالیت
۱۰۳	نتیجه‌گیری
۱۰۸	منابع
۱۱۳	پیوست

## مقدمه:

### ۱- بیان موضوع

بخش عمده‌ای از مباحث مسئولیت مدنی و کیفری، مربوط به خسارت‌های بدنی است؛ در قرون اخیر با صنعتی شدن جوامع میزان این خسارت‌ها زیاد شده است. هر روزه حوادث زیادی در کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی رخ می‌دهد؛ اکثر این کارخانه‌ها تحت لوای شخص حقوقی فعالیت می‌کنند. اشخاص حقوقی نه تنها در امور تجاری بلکه در بسیاری از امور حضور دارند و مانند انسان‌ها در جامعه در حال فعالیت می‌باشند وجود این اشخاص به‌عنوان عضوی از جامعه انکارناپذیر است. اعتباری بودن شخص حقوقی از یک طرف و پرداخت خسارت‌های بدنی تحت نظام دیه از طرف دیگر دشواری مسئولیت شخص حقوقی را دوچندان نموده است؛ در رسیدگی پرونده‌های مرتبط با شخص حقوقی اولین سؤالی که برای دادرس ایجاد می‌شود این است که دیه یک مسئولیت کیفری است یا مدنی؟ اگر این مسئولیت را کیفری بدانند با این مشکل روبه‌رو می‌شود که اتهام را به چه کسی تفهیم کند؟ آیا می‌تواند مستقیماً شخص حقوقی را محکوم به دیه کند؟ مگر نه آنست که مسئولیت کیفری شخص حقوقی همواره ناشی از فعل غیر است؛ بنابراین باید هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی را محکوم به پرداخت دیه کند و سؤال این است که توزیع مسئولیت بین آنان به چه شکل می‌باشد؟ به صورت تضامنی یا تساوی؟ اگر مسئولیت را مدنی بدانند با این سؤالات روبه‌رو می‌شود که آیا نیاز به تفهیم اتهام وجود دارد؟ آیا نیاز به شناسایی شخص حقیقی هم وجود دارد؟ آیا مسئولیت مستقیم است یا ناشی از فعل غیر؟ آیا باید بر اساس نظام دادرسی کیفری رسیدگی شود یا حقوقی؟ اگر قائل باشیم به اینکه مسئولیت شخص حقوقی مستقیم است، با توجه به اعتباری بودن شخص حقوقی رفتار مستقل شخص حقوقی چگونه احراز می‌شود؟ این چنین سؤالاتی در ذهن هر دادرسی وجود دارد و محاکم قضایی را دچار مشکل نموده است؛ به طوری که در روبه قضایی تشتت آرا در این زمینه دیده می‌شود که نمونه‌ای از این تشتت آرا را در پیوست این پژوهش آورده‌ایم. ما در این پژوهش به دنبال تبیین موارد مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم شخص حقوقی و تعیین حدود مسئولیت مدیران هستیم.

### ۲- اهمیت موضوع

عدم وجود یک مبنای دقیق علمی برای شناسایی مسئولیت اشخاص حقوقی در پرداخت دیه اینجانب را بر آن داشت که با تعیین این موضوع و تحقیق در خصوص آن قدم کوچکی برای جامعه قضایی و حقوقی ایران بردارم. اینجانب به‌عنوان یک دادرس با این گونه پرونده‌ها روبه‌رو بودم و با تمام وجود نبود یک مبنای حقوقی مناسب را حس کردم و افراد زیادی مانند مدیران را دیده‌ام که بی‌گناه محکوم به پرداخت دیه شده‌اند و از طرفی افرادی را



دیده‌ام که خسارت آن‌ها به جهت عدم شناسایی مقصر، جبران نشده باقی مانده است و اشخاص حقوقی متولی را دیده‌ام که از مسئولیت مصون مانده‌اند.

### ۳- سؤالات پژوهش

در این پژوهش به این سؤالات پاسخ خواهیم داد:

#### ۱- سؤالات اصلی:

- شرایط مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه چیست؟
- ماهیت و مبنای مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه چیست؟

#### ۲- سؤالات فرعی:

- توزیع مسئولیت پرداخت دیه میان مدیران و کارگران و شخص حقوقی چگونه است؟

### ۴- فرضیات پژوهش

- در صورتی که خسارت قابل استناد به شخص حقوقی باشد شخص حقوقی به صورت مستقیم مسئول پرداخت دیه می‌باشد. و در صورتی که خسارت مستند به تقصیر مدیران یا کارگران شخص حقوقی باشد شخص حقوقی از باب مسئولیت ناشی از فعل غیر مسئول خواهد بود.
- ماهیت مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه مدنی است و مبتنی بر تقصیر نمی‌باشد.
- در توزیع مسئولیت میان مدیران و کارگران و شخص حقوقی اصل بر مسئولیت شخص حقوقی است.

### ۵- پیشینه پژوهش

به طور اختصاصی در خصوص این موضوع تحقیق نشده است ولیکن حقوق دانان در خصوص مسئولیت کیفری و مدنی شخص حقوقی تحقیقاتی انجام داده‌اند.

دکتر عبدالله خدابخشی در کتاب جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی نکات ارزنده‌ای در خصوص مسئولیت کارفرما بیان نموده‌اند و در خصوص مسئولیت شخص حقوقی و مسئولیت دیه نیز مباحث خوبی اعلام نموده‌اند ولی به علت ماهیت کیفری دیه در زمان نگارش این کتاب و عدم شناسایی مسئولیت شخص حقوقی در

پرداخت دیه توسط قانون‌گذار؛ تلاش نویسنده بیشتر در شناسایی این مسئولیت می‌باشد که تلاش این گروه از حقوق‌دانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نتیجه می‌رسد.

دکتر علیرضا یزدانیان در کتاب قواعد عمومی مسئولیت مدنی جلد سوم، در خصوص مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از افعال ارگان اداره کننده مباحثی جدیدی با نگاه تطبیقی با حقوق فرانسه بیان می‌دارند و همچنین ایشان با تقسیم‌بندی مسئولیت ناشی از فعل غیر مبانی این مسئولیت را تشریح می‌نمایند. نتیجه‌ای که از مطالعه این کتاب ارزشمند به دست می‌آید این است که نویسنده مسئولیت شخص حقوقی را به صورت مستقیم به صراحت مورد شناسایی قرار نمی‌دهد و مسئولیت مستقیم شخص حقوقی را تصنعی می‌داند.

دکتر مشتاق زرگوش در کتاب مسئولیت مدنی دولت، مبانی مسئولیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی را مورد بحث قرار داده‌اند و به مسئولیت مستقیم شخص حقوقی و مسئولیت غیر مستقیم پرداخته‌اند. خانم زهرا مختارنامه در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «دانشکده حقوق دانشگاه شیراز» به موضوع مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی حقوق خصوصی پرداخته‌اند، این تحقیق بیشتر در خصوص مسئولیت مدنی می‌باشد و در مورد خسارت‌های بدنی صحبت نشده است.

آقای عبدالرافع عرب یوسف آبادی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود «دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری» با موضوع مسئولیت اشخاص حقوقی در برابر اعمال غیر قراردادی مدیران، به این نتیجه رسیده‌اند که اعمال غیر قراردادی مدیران بر اساس نظریه رکنیت مدیران، منتسب به شخص حقوقی است و شخص حقوقی همواره مسئول می‌باشد ولیکن این تحقیق به مسئولیت مستقیم و غیرمستقیم اشاره ننموده است و مشخص نیست که مسئولیت شخص حقوقی از رفتار مدیران مستقیم است یا غیر مستقیم.

آقای محسن قرنی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران» با موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته است. ایشان به طور مختصر در مورد مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه به‌عنوان یک مسئولیت که هم دارای ماهیت کیفری و هم حقوقی است پرداخته‌اند.

دکتر مجتبی جعفری در مقاله‌ای به نام مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران «پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۹۵» مسئولیت کیفری شخص حقوقی را از مسئولیت دیه متمایز نموده و شرایط هر یک را مستقل مورد بررسی قرار داده است و مسئولیت مستقیم شخص حقوقی را پیش‌بینی نموده‌اند.

## ۶- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی امکان مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد که به نقش مدیران در مسئولیت شخص حقوقی نیز خواهیم پرداخت.

## ۷- روش پژوهش

در این پژوهش با بررسی ماهیت شخص حقوقی و دیه و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی به موضوع خواهیم پرداخت و با اتکا به نظریات حقوق دانان و رویه قضایی کشور و توجه به قوانین موضوعه تحقیق را به سرانجام خواهیم رساند.

## ۸- مشکلات پژوهش

عمده مشکلی که در این پژوهش داشتیم کمبود منابع مرتبط به موضوع بود که با توجه به تازگی بحث قابل درک می‌باشد.

## ۹- ساختار پژوهش

در این پژوهش ابتدا در فصل اول به کلیات مرتبط به موضوع از جمله ماهیت شخص حقوقی و رابطه مدیران با شخص حقوقی و ماهیت دیه و ارتباط آن با جرم و نوع مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه پرداخته شده است. در فصل دوم با اتکا به مبانی مسئولیت غیر مستقیم مانند وجود اقتدار متبوع بر تابع، به مسئولیت غیر مستقیم شخص حقوقی و شرایط این مسئولیت پرداخته‌ایم و با در نظر گرفتن شرایط مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم با یک روش عملی به مباحث جدید در خصوص توزیع مسئولیت بین شخص حقوقی و گماشتگان و صور مختلف آن مطرح کردیم. در فصل سوم با اتکا به مواد قانونی مانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون تجارت امکان مسئولیت مستقیم شخص حقوقی را بررسی کرده و با تقسیم‌بندی موارد مسئولیت، نوع رفتار شخص حقوقی را تبیین و با در نظر گرفتن وضعیت خاص شخص حقوقی و نظر قانون‌گذار مسئولیت شخص حقوقی را مبتنی بر تقصیر ندانسته؛ و چگونگی قابلیت استناد خسارت به رفتار شخص حقوقی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نکته قابل ذکر در خصوص فصل بندی این پژوهش این است که فصل خاصی به مسئولیت مدیران اختصاص داده نشده است و ممکن است مورد ایراد خواننده قرار گیرد ولی علت آن غفلت نویسنده از موضوع پژوهش نیست. همانطور که در قسمت علت انتخاب موضوع به آن اشاره نمودیم در محاکم ایران مدیران به دلایل مختلف محکوم

به پرداخت دیه می‌شوند و بار مسئولیتی را به دوش می‌کشند که باید بر عهده شخص حقوقی باشد و از این رو تفکیک مسئولیت مدیران به‌عنوان یک فصل مستقل ممکن است ما را از هدف اصل دور کند. بنابراین در تمام مباحث این پژوهش مسئولیت مدیر در کنار مسئولیت شخص حقوقی مورد بحث قرار گرفته است و سعی شده است که با تبیین مسئولیت شخص حقوقی مرز مسئولیت مدیران از مسئولیت شخص حقوقی تعیین شود.

## فصل اول :

# کلیات مسؤلیت شخص حقوقی در پرداخت دیه

## مبحث اول: شخص حقوقی

در قرون اخیر با گسترش فعالیت‌های صنعتی و تجاری، جامعه انسانی بر آن شد که با تشکیل گروه‌ها و تشکل‌های جدید و جمع سرمایه‌های خورد فعالیت‌های خود را گسترش دهد، از این رو شرکتهای تجاری به وجود آمدند و مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفتند. از طرفی با سازماندهی فعالیت‌های حکومتی و تشکیل وزارتخانه‌ها و ادارات متعدد تشکل‌های انسانی تشکیل شد که امروزه آن‌را شخص حقوقی می‌نامیم.

در تعریف شخص حقوقی شاید بتوانیم به طور خلاصه بگوییم موجود اعتباری یا افراد انسانی که دارای شخصیت حقوقی است و موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرد<sup>۱</sup> ولیکن در معرفی شخصیت حقوقی به مشکلاتی مختلفی برخورد می‌کنیم زیرا شخص حقوقی مختص حقوق خصوصی نیست و در حقوق عمومی و اداری و تجاری نیز مورد توجه است و هر یک از دیدگاه خود به تعریف آن پرداخته‌اند. در حوزه مسئولیت مدنی آنچه ملاک ما در تشخیص شخصیت حقوقی است؛ داشتن اراده مستقل است که به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

شخصیت از خصوصیات انسان است و اکتسابی نیست. انسان به محض به دنیا آمدن دارای اهلیت دارا بودن حقوق است و متمتع از حقوق مدنی خواهد بود؛ اجرای این حقوق در گرو داشتن اهلیت استیفا است و ظابطه تشخیص اهلیت استیفا، اراده مستقل است. بنابراین شخصیت حقوقی کامل، خصوصیت شخصی است که دارای اهلیت تمتع و استیفا باشد؛ پس برخلاف تصور، شخصیت حقوقی و شخص حقوقی در یک تعریف نیست بلکه شخصیت حقوقی، خصوصیتی است که به شخص حقوقی معنی می‌دهد.

وجود یک شخص حقوقی زمانی معنی پیدا می‌کند که مانند یک انسان دارای شخصیت باشد. لازمه داشتن شخصیت، اراده و اهلیت تمتع می‌باشد که این مهم توسط قانون‌گذار به اشخاص حقوقی اعطا شده است. بنابراین وقتی ما از یک شخص حقوقی صحبت می‌کنیم از یک شخص با اراده صحبت کردیم که می‌تواند دارای حق و تکلیف شود. در مواد ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷ قانون تجارت، قانون‌گذار انواع اشخاص حقوقی را بیان نموده است و در ماده ۵۸۸ این قانون بیان داشته که: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیف شود که قانون برای افراد قایل است...»

در خصوص ماهیت شخص حقوقی دو دیدگاه بین حقوق‌دانان بیشتر مطرح است ۱- فرضی بودن شخصیت حقوقی ۲- واقعی بودن شخصیت حقوقی.

حقوق‌دانانی که معتقد بر فرضی بودن شخصیت حقوقی هستند شخصیت را ناشی از فرض قانون‌گذار به‌عنوان یک شخص بر یک موجود اعتباری می‌دانند که توسط یک گروه انسانی تشکیل شده است و آن‌را جدا از افراد

۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه علم حقوق، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۱ ص ۱۲۳ - برای مطالعه بیشتر ر ک مختارنامه، زهرا، مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی خصوصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی شیراز ۱۳۹۰، ص ۶-۱۲

تشکیل دهنده آن نمی‌بینند. ولیکن حقوقدانان که بر نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی معتقد هستند؛ آن را یک واقعیت مستقل از اشخاص حقیقی می‌دانند و آن را دارای اراده مستقل از افراد تشکیل دهنده می‌دانند. عده‌ای از حقوق‌دانان ایران مانند دکتر اسکینی<sup>۱</sup> بر این عقیده هستند که قانون‌گذار ایران نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی را پذیرفته است و عده‌ای مانند دکتر سید حسین صفائی معتقد هستند نظریه واقعی شخصیت حقوقی بیشتر قابل قبول است<sup>۲</sup> اگر ما دنبال این موضوع باشیم که یکی از این نظریه‌ها را بپذیریم و دنبال رو نتیجه آن باشیم، امکان خروج از نظر قانون‌گذار وجود دارد؛ زیرا نتایج به دست آمده از هر نظریه به طور کامل شخصیت حقوقی را در بر نمی‌گیرد و نظر قانون‌گذار را تأمین نمی‌کند پس نیک آن است که ما شخصیت حقوقی را در حدود نظر قانون بررسی کنیم و خود را محدود به نتایج نظریات فوق نکنیم زیرا این نظریات بیشتر سعی دارند وجود شخص حقوقی را توجیح کنند. شخص حقوقی از منظر هر دو نظریه یک موجود اعتباری است که در عالم خارج قابل رؤیت نیست.

زمانی که قانون‌گذار شخصیت حقوقی را دارای تکالیف قانونی می‌داند داشتن اراده مستقل را برای او مفروض دانسته است، زیرا تکلیف و مسئولیت ناشی از اراده مستقل فرد است و کسی که دارای اراده مستقل نباشد تحمیل مسئولیت و اجرای تکالیف قانونی بر او جایز نیست. مطابق ماده ۵۸۹ قانون تجارت تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم را دارند گرفته می‌شود. بنابراین مظهر اراده شخص حقوقی، اراده همین مقامات است و این نافی استقلال شخص حقوقی نیست.

## گفتار اول: انواع اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی.

### الف - اشخاص حقوقی حقوق عمومی و دولتی

ماده ۵۸۷ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.»

شناسایی اشخاص حقوقی عمومی ابتدا آسان دیده می‌شود؛ ولیکن شناخت و تفکیک شخص حقوقی عمومی دشوار است. بدون شک دولت بزرگترین شخص حقوقی حقوق عمومی محسوب می‌شود که تحت لوای این

<sup>۱</sup> - اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری جلد اول انتشارات سمت ۱۳۸۴ ص ۳۷

<sup>۲</sup> - صفائی، سید حسین وقاسم زاده، سید مرتضی حقوق مدنی اشخاص مجبورین انتشارات سمت ویراست ۴ ص ۱۶۳

شخصیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و... وجود دارد. دولت به معنی عام کلمه شامل قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه می‌باشد. آیا هر یک از قوه‌های سه‌گانه دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند؟ یا همه دارای شخصیت حقوقی واحد هستند؟ آیا ادارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط سه قوه دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند؟ ضابطه تشخیص و تفکیک شخصیت حقوقی عمومی چه می‌باشد؟

در این خصوص چند ضابطه می‌توان بیان نمود: ۱- تفکیک بر اساس موضوع، به این معنی که هر شکل عمومی بر اساس قانون یا آیین‌نامه یا اساسنامه دارای اهداف و وظایفی می‌باشد که آن‌را از سایر ادارات جدا می‌کند مانند جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، بهداشت، سازمان ثبت اسناد، سازمان زندان‌ها و... بر اساس این ضابطه هر وزارتخانه یا سازمانی دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد. ۲- داشتن بودجه و دارای مستقل بر این اساس هر مرجعی که دارای بودجه مستقل در بودجه کشور باشد شخصیت مستقل دارد. ۳- داشتن اراده مستقل.

همان‌طور که گذشت، بارزترین خصوصیتی که به شخصیت حقوقی معنی می‌دهد داشتن اراده مستقل می‌باشد. در نظام مسئولیت مدنی فردی که دارای اراده نباشد امکان مسئول دانستن آن نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد بهترین معیار داشتن اراده مستقل باشد.

از این رو قوای سه‌گانه از هم جدا می‌شوند؛ زیرا هر یک تحت مدیریت مستقل از دیگری اداره می‌شوند. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا دستگاه‌ها و سازمان‌ها و ادارات ذی‌ربط هر قوه شخصیت حقوقی مستقل دارد؟ به‌عنوان مثال در قوه مجریه آیا ادارات یک شهرستان از ادارات کل مرکز استان و ادارات کل مرکز استان از وزارتخانه‌های ذی‌ربط خود و وزارتخانه از هیئت دولت شخصیت مستقل دارند؟ هر اداره‌ای در هر شهرستان دارای شخصیت مستقل نمی‌باشد. بنابراین این نکته مهم است که ما بدانیم قانون‌گذار شخصیت حقوقی را صرفاً به وزارتخانه داده است یا برای اداره ذی‌ربط نیز شخصیت حقوقی قائل است.

## ۱- وزارتخانه‌ها و ادارات ذی‌ربط

وزارتخانه در لغت به معنای اداره عالی مرکزی که در پایتخت کشور تشکیل و در رأس آن شخصی به نام وزیر قرار دارد<sup>۱</sup> می‌باشد.

تشکیل وزارتخانه در ایران به دوره قاجار زمان پادشاهی ناصرالدین شاه می‌رسد. عمده امورات سیاسی و اجرایی کشور بین وزارتخانه‌های کشور تقسیم می‌شود و هر وزارتخانه دارای وظایف و اهداف خاصی می‌باشد. قانون‌گذار در ماده یک قانون خدمات کشوری وزارتخانه را چنین تعریف نموده است: «واحد سازمانی مشخصی است که تحقق

<sup>۱</sup>- عمید، حسن- فرهنگ فارسی عمید ج ۱ چاپ پنجم انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۳، صفحه ۱۶۸



یک یا چند هدف از اهداف دولت را بر عهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و توسط وزیر اداره می‌شود.»

تعریف فوق‌الذکر این شائبه را ایجاد می‌کند که وزارتخانه دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت نیست. عمده دلایل را می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱) دولت یک مجموعه‌ای با ساختار تک بافت می‌باشد؛
- ۲) دارای عملکرد سیاسی واحد می‌باشد و قدرت سیاسی توسط یک شخصیت واحد با دولت مرکزی واحد اعمال می‌شود؛
- ۳) در درون دولت اصل یگانگی دولت حاکم است و از این رو دولت دارای یک شخصیت حقوقی است؛
- ۴) در هیچ جای قوانین از شخصیت حقوقی وزارتخانه سخن به عمل نیامده و همیشه آن را جزئی از بدنه دولت معرفی نموده است؛
- ۵) وزیر توسط کسی خارج از وزارتخانه انتخاب می‌شود؛
- ۶) عدم امکان طرح دعوی توسط یک وزارتخانه علیه وزارتخانه دیگر در دیوان عدالت اداری.<sup>۱</sup>

پذیرفتن چنین نظری دارای آثاری است که نظم حقوقی را به مشکل مواجه می‌کند. اگر ما قائل به شخصیت حقوقی وزارتخانه نباشیم تمام تصمیمات وزارتخانه می‌بایست بر اساس تفویض اختیار دولت باشد و به عمل کار وزارتخانه مختل می‌شود و تمام ادارات ذی‌ربط برای طرح دعوی می‌بایست از رئیس جمهور اجازه داشته باشند و وزارتخانه به طور مستقل نمی‌تواند طرف دعوی قرار گیرد، هیچ دادگاهی نمی‌تواند یک وزارتخانه را به پرداخت خسارت محکوم کند، بلکه باید دولت را به پرداخت خسارت محکوم کند که در این وضعیت شناسایی مسئول پرداخت مشکل‌تر می‌شود زیرا دولت به راحتی قابل شناسایی نیست زیرا دولت مجموعه‌ای از افراد حقوقی است که هر یک دارای وظایفی هستند و نظم مدنی چنین می‌طلبد که اختیارات هر وزارتخانه مشخص باشد و مسئولیت هر وزارتخانه مشخص باشد؛ هر چند که مسئول نهایی بودجه عمومی باشد و اگر چنین نباشد اموال تمام وزارتخانه‌ها در برابر بدهی هر وزارتخانه وثیقه دین می‌باشد و دادگاه می‌تواند آن را توقیف کند.

مطابق ماده ۵۸۸ قانون تجارت مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.

در این ماده داشتن شخصیت حقوقی به مؤسسات و تشکیلات دولتی منوط به تصریح قانون‌گذار نشده است بلکه قانون‌گذار صرفاً تشکیل و ایجاد را برای داشتن شخصیت حقوقی کافی دانسته است. بنابراین هر چند که در

---

<sup>۱</sup> - صمیمی، محمد؛ حاجی پور کندرود، علی، تاملی بر مفهوم شخصیت حقوقی وزارتخانه‌ها در نظام حقوقی ایران (از تئوری تا عمل)، ماهنامه آفاق علوم انسانی مرداد ۱۳۹۷ شماره ۱۶ ص ۳۵ تا ۵۱

ماده یک قانون خدمات کشوری از شخصیت حقوقی وزارتخانه یاد نشده است ولی همه میدانیم که وزارتخانه‌ها بزرگترین تشکیلات هر دولت می‌باشد و مطابق قانون ایجاد می‌شوند.

اگر ما بخواهیم اشخاص حقوق عمومی را با اشخاص حقوق خصوصی همسان بدانیم؛ انتخاب وزیر، خارج از بدنه وزارتخانه بر خلاف استقلال شخصیت حقوقی است. ولی اشخاص حقوقی خصوصی با حقوق عمومی در این زمینه با هم متفاوت هستند و قابل مقایسه نیستند. بنابراین اشخاص حقوق عمومی از نظر استقلال شخصیت دارای محدودیت‌های قانونی هستند ولی نمی‌توان به این جهت آن‌ها را فاقد شخصیت حقوق دانست.

با بررسی چند ماده دیگر نظر قانون‌گذار را در داشتن شخصیت حقوقی وزارتخانه احراز می‌کنیم. در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قانون‌گذار به وزارتخانه‌ها اجازه معرفی نماینده حقوقی داده است.

ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی: «وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکتهای دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیر دولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوی یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به‌عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند و تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرای سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود.»

اگر ما وزارتخانه را دارای شخصیت حقوقی مستقل ندانیم، باید بگوییم قانون‌گذار دچار اشتباه شده است که اجازه اقامه دعوی را به موجودی داده است که فاقد شخصیت مستقل است. طرح دعوی و دفاع از دعوی از ناحیه یک موجود اعتباری مانند وزارتخانه مستلزم داشتن شخصیت حقوقی مستقل است و کسی که فاقد شخصیت حقوقی باشد قابل شناسایی برای طرح دعوی در محاکم نمی‌باشد چه رسد به اینکه بتواند نماینده هم انتخاب کند. در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۱۵ چنین بیان شده است که «وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که درآمد آن‌ها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاه‌ها و اوراق لازم الاجرای ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سال‌های قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود اعتبار و عدم امکان تأمین از محل‌های قانونی دیگر در بودجه سال بعد منظور و پرداخت نمایند. اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب ابلاغ بودجه یک سال و نیم بعد از سال صدور حکم نخواهد بود.»

از مذاقه در این ماده چنین نتیجه می‌گیریم که قانون‌گذار وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی را مکلف به پرداخت محکوم به نموده است و آن‌ها را مکلف نموده است که از بودجه خود نسبت به پرداخت تعهدات خود عمل کنند و مفهوم مخالف این ماده بیان می‌دارد که اگر بعد از یک سال و نیم از صدور حکم، وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی نسبت به پرداخت بدهی خود عمل نکنند دادگاه می‌تواند اموال این وزارتخانه‌ها را توقیف کند. بنابراین اموال و بودجه یک وزارتخانه وثیقه دین وزارتخانه دیگر نیست و مسئولیت هر وزارتخانه مستقل است.

همانطور که داشتن حق اقامه دعوی از شئون یک شخصیت مستقل است تکلیف پرداخت و مسئولیت نیز از خصوصیات شخصیت مستقل است. بنابراین با توجه به استدلال فوق‌الذکر نمی‌توانیم بگوییم که وزارتخانه‌ها فاقد شخصیت حقوقی هستند؛ اما ادارات کل استان‌ها و ادارات شهرستان‌ها، فرمانداری‌ها و استانداری‌ها و... که زیر مجموعه وزارتخانه‌ها هستند دارای شخصیت حقوقی مستقل نیستند زیرا این ادارات تحت مدیریت کامل وزارتخانه‌ها اداره می‌شوند و فاقد اراده مستقل می‌باشند و نمایندگی وزارتخانه ذی‌ربط می‌باشند که به صراحت قانون‌گذار در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت، نامی از این ادارات به‌عنوان یک شخصیت مستقل نیاورده است. بنابراین یک اداره در یک شهرستان دارای شخصیت مستقل حقوقی نیست و نمی‌تواند طرف دعوی قرار گیرد.

در رویه قضایی معمولاً ادارات دولت با ارائه تفویض اختیار طرح دعوی و یا دفاع از دعوی که به بالاترین مقام وزارتخانه می‌رسد در دادگاه‌ها شرکت می‌کنند ولیکن به علت رویه ناصحیح معمولاً در محل ستون خواهان و خوانده نام ادارات شهرستان یا بعضاً استان ذکر می‌شود که نیک آن است نام ادارات محلی یا استانی به‌عنوان عضوی از شخصیت حقوقی وزارتخانه در کنار وزارتخانه ذی‌ربط درج شود و اصول حقوقی در آن رعایت شود. شاید با نفی شخصیت حقوقی ادارات این سوال ایجاد شود که در این صورت دادگاه صالح کجاست؟ آیا دادگاه صالح صرفاً اقامتگاه وزارتخانه در پایتخت است؟ ولی با مناسبت عمل از ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان گفت که تعهدات هر اداره در دادگاه محل آن اداره قابل رسیدگی است که در عمل نیز رویه قضایی این موضوع را کاملاً پذیرفته است.

## ۲- مؤسسه دولتی

ماده ۲ قانون خدمات کشوری: «مؤسسه دولتی: واحد سازمانی مشخص است که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود و با داشتن استقلال حقوقی بخشی از وظایف و اموری که بر عهده یکی از قوای سه‌گانه و سایر مراجع قانونی می‌باشد انجام می‌دهد. کلیه سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است در حکم مؤسسه دولتی شناخته می‌شود.»

در این ماده قانون‌گذار صراحتاً مؤسسات دولتی و سازمان‌هایی که در قانون اساسی نام برده شده است را دارای شخصیت حقوقی مستقل دانسته است. بنابراین هر چند که یک مؤسسه زیر مجموعه یک وزارتخانه یا نهاد دولتی یا قوه قضائیه یا مقننه باشد باز هم دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد و دارای حق و مسئولیت مستقل می‌باشد.

### ۳- مؤسسه یا نهادهای عمومی غیر دولتی

ماده ۳ قانون خدمات کشوری: «مؤسسه یا نهاد عمومی غیر دولتی: واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از پنجاه درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیر دولتی تامین می‌گردد و عهده‌دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارند.»  
در ماده واحده قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۹ فهرست مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی را بیان نموده است که از این بین می‌توان شهرداری‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، بنیاد مستضعفان و جانبازان و... را نام برد.

### ۴- شرکت‌های دولتی

ماده ۴ قانون خدمات کشوری: «شرکت‌های دولتی: بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون برای انجام قسمتی از تصدی‌های دولت به موجب سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری جز وظایف دولت محسوب می‌گردد، ایجاد و بیش از پنجاه درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت می‌باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی منفرداً و مشترکاً ایجاد شده باشد مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن‌ها منفرداً و مشترکاً متعلق به واحدهای سازمانی فوق‌الذکر باشد شرکت دولتی است.»

در این ماده قانون‌گذار استقلال حقوقی شرکت‌های تجاری دولتی را به صراحت اعلام نکرده است زیرا بعضی از این شرکت‌ها مشمول شرکت‌های تجاری قانون تجارت هستند و دولت صرفاً سهام‌دار آن می‌باشد و از این رو دارای شخصیت حقوقی می‌باشد و شرکت‌های دولتی دیگر که تمام سرمایه آن‌ها متعلق به دولت است مانند شرکت زیر ساخت و شرکت‌های آب منطقه‌ای و... مطابق قانون و اساسنامه آن‌ها به این شرکت‌ها شخصیت حقوقی اعطا شده است و در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی شخصیت حقوقی این شرکت‌ها احراز شده است، هر چند که بعضی از این شرکت‌های عمومی به جهت اینکه تمام سرمایه آن‌ها متعلق به دولت می‌باشد در تعریف شرکت نمی‌گنجد ولیکن قانون‌گذار آن‌ها را به‌عنوان شرکت شناسایی کرده است و به نوعی شخصیت حقوقی شرکت‌های تک نفره